

## پیش‌خواب

## روایتی مستند از «انقلاب اسلامی در کاشان»

روایتی مستند از «انقلاب اسلامی در کاشان»

## شهری که در سیاست به‌قم و تهران شباهت می‌برد

■ شاهد توحیدی



انثری که هم اینک در معرفی آن سخن می‌رود، همانگونه که از ماش هویداست، به روایت «انقلاب اسلامی در کاشان» پژوهش از سوی اصغر ابن‌الرسول انجام شده و مرکز اسناد انقلاب اسلامی به انتشار آن همت گماشته است.
تازم‌ای ناشر در معرفی این کتاب، نکات بی‌آمده را مورد اشاره قرار داده است:
«انقلاب پدیده‌ای سیاسی واجتماعی است که خواهان دگرگونی بنیادین در جامعه است، اما کمیت و کیفیت خواست‌های انقلاب به عوامل مختلفی بستگی دارد که یکی از آنها گستره جغرافیایی و جمعیتی است، یعنی هر چه منطقه جغرافیایی وسیع‌تر ی در یک جامعه، خواهان تغییر باشند و رفتارهای انقلابی از خود نشان دهند، دامنه انقلاب و خواست‌ها و تبعات آن نیز وسیع‌تر خواهد‌بود، زیرا حکومت‌های مستقر با امکانات محدود خود، توان مقابله با چریانات انقلابی همه‌جاگیر را ندارند. از این رو معمولاً سیاست حکومت‌های مستقر، در مهار انقلاب‌ها و جلوگیری از گسترش جغرافیایی آن در گام نخست است. وقتی انقلاب در یک منطقه محدود شد، قدرت تخریبی بنیادهای رژیم مستقر را به نسبت محدودیت مکانی خود از دست می‌دهد. عامل انسانی نیز نقش بسیار مؤثری دارد، به این معنی که هرگاه یک انقلاب بتواند اقشار و طبقات بیشتری را با آرمان‌ها و خواست‌های خود همراه سازد، قدرت پیش‌بردنگی خود را بالا خواهد برد. هر چند رهبران انقلابی به منظور ایجاد همبستگی و هماهنگی بین خواست‌های متفاوت و گاه متضاد طبقات انقلابی، تلاش‌های وافری انجام می‌دهند، اما گاه این هماهنگی رفتاری به خاطر شعارها و باورهای مشترک، بلکه به خاطر دشمن مشترک می‌باشد. مهار انقلاب در یک



زندہ یاد آیت‌الله سیدمہدی ثیری از رہبران انقلاب اسلامی در شہر کاشان

گستره جغرافیایی و جمعیتی وسیع، به آسانی صورت نمی‌گیرد، بلکه مستلزم عنصر مؤثر دیگری به نام تشکیلات و شبکه خبررسانی و خبررسانی منسجم، مرتبط و متمرکز است. یکی از گسترده‌ترین شبکه‌ها، مساجد، مدارس علمیه و هیئت‌های عزاداری بود که به دور از دخال‌های دولت مستقر و به صورت مستقیم و متمرکز عمل می‌کرد، یعنی مسجد و روحانی روستا، حداقل با یکی از روحانیان برجسته شهر در ارتباط بود و ایشان نیز با روحانیان مراکز استان یا کانون مرکزی یعنی قم و تهران در ارتباط بود و این خود اخبار مرکز را با سرعت بین اعضای شبکه پخش می‌کرد و به‌واکنش‌ها آنها جهت می‌داد. ویژگی مهم این شبکه، عدم وابستگی مالی و سیاسی با رژیم است که گاهی درگیری‌های مقطعی و گاه مستمر ایجاد می‌کرد و نیز می‌توانست اطمینان مخالفان را با گرایش‌های مختلف جلب کند. مسئله بعدی هماهنگی و هم‌وایی رهبران، آرمان‌ها و خواست‌های انقلاب و شبکه‌با توده‌ها بود و این نیز در گسترش دامنه نفوذ آن بسیار مؤثر بود. شبکه اطلاع‌رسانی مذهبی‌ها در تکتک شهرها فعال بود، اما میزان فعالیت دندرزیم آنها بستگی به ویژگی‌های شخصی، گرایش‌ها و تحلیل‌های سیاسی اعضای شبکه داشت، اما از آن جایی که بین رأس شبکه با قاعده آن رابطه مرجع و مقلد برقرار بود، عملاًخواست‌های مرجع مو به مو و به دقت تا قاعده هرم انتقال داده می‌شد.انتشار اعلامیه‌ها و اطلاعیه‌های مراجع و چاپ و تکثیر مجدد آنها در روستاها و شهرهای حتی دورافتاده، بیانگر این رابطه است. کاشان یکی از شهرهایی بود که شبکه روحانیت به دلیل نزدیکی به قم و تهران در آن بسیار فعال بود. اعزام مبلغ از قم در ماه‌های مذهبی در جهت هماهنگی رفتارهای خود با مرکز قم انجام می‌شد که این رفت و آمدها، نوعی وحدت در باور، رفتار و واکنش ایجاد می‌کرد. در این اثر سعی شده است تا حدودی روند انقلاب اسلامی، میزان ارتباط شهر کاشان با قم و تهران و تأثیرپذیری از جریان‌ات مرکزی، مورد بررسی قرار گیرد. بررسی شعارها، اقشار و طبقات اجتماعی شرکت‌کننده در انقلاب و سایر مؤلفه‌ها، نشانگر ارتباط دقیق روند انقلاب اسلامی در قم و کاشان است. مرکز اسناد انقلاب اسلامی در قم و شناساندن نقش شهرهای کشور در انقلاب، پژوهش اسنادی و میدانی فعالیت‌های انقلابی مردم در کاشان را در اختیار علاقه‌مندان مباحث تاریخ معاصر و انقلاب قرار می‌دهد…»

## عاریخ

تاریخ ۶۰۴۰۸۵۲۳



«نس با آفتاب انقلاب در دوران مبارزه» در آیینہ خاطرات شهید آیت‌الله سید ابراهیم رئیسی

## قبل از انقلاب

## از ریاست‌جمهوری «آقای خامنه‌ای» می‌گفت

■ **احمد رضا صدری**

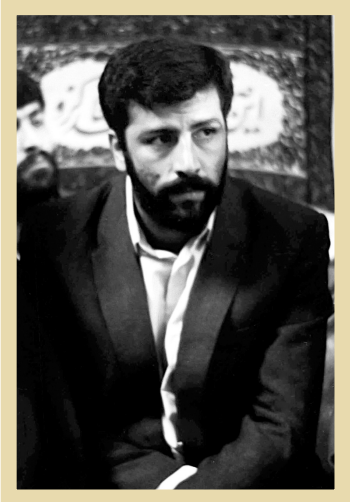
هرگز گمان نمی‌بردیم که در چنین موسمی به بازخوانی خاطرات شهید آیت‌الله سید ابراهیم رئیسی از دوران انقلاب اسلامی بپردازیم. کسی از مقررات الهی مطلع نیست، اما همه را نیز جز گردن نهادن بدان چاره‌ای نخواهد بود!ا روایاتی که در ادامه مورد خوانش تحلیلی قرار می‌گیرد، به دست آن فقید سعید در دهه ۷۰ و در مرکز اسناد انقلاب اسلامی بیان شده است.او در این بازگویی، علاوه بر توصیف نقش و شرایط خود در آستانه قیام ۱۹ دی ۱۳۵۶، به بازگویی جایگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی در بیدارگری جوانان مبارز خراسان و سراسر ایران پرداخته است. امید آنکه انتشار این سند تاریخی در این روزهای سوگ و عزای ملت، علاقه‌مندان را مقید و مقبول آید.
روحش شاد و یادش گرامی باد.

■ ■ ■

■ **سید ابراهیم رئیس‌الساداتی که بود؟**

در آغاز این نوشتار، مروری بر زندگی کوتاه اما پرفراز و نشیب شهید آیت‌الله رئیسی بهنگام می‌نماید، چه آنکه نشان خواهد داد خاطرات مورد اشاره در کدامین بستر تاریخی، اجتماعی و تربیتی روی داده است. بر تازم‌ای مرکز اسناد انقلاب اسلامی تک نگاشته‌ای وجود دارد که تقریباً جامع می‌نماید و می‌تواند مقصود ما را تأمین کند: «شهید آیت‌الله دکتر سید ابراهیم رئیس‌الساداتی معروف به رئیسی در سال ۱۳۳۹ در محله نوغان مشهد به دنیا آمد. او در حوزه علمیه قم اصول فقه را نزد آیت‌الله مروی، لمعتین را نزد آیت‌الله فاضل هرندی، رسائل را نزد آیت‌الله موسوی تهرانی، مکاسب محرمه را نزد آیت‌الله دوزدوزانی، کتاب البیع و کمالبس را نزد آیت‌الله امین‌ان مخالفان مکاسب را نزد آیت‌الله مستوده و آیت‌الله طاهری خرم‌آبادی و کفایه را نزد آیت‌الله سیدعلی محقق داماد، تفسیر قرآن کریم را نزد آیت‌الله مشکینی و آیت‌الله خزعلی، شرح منظومه و فلسفه را نزد آیت‌الله احمد بهشتی و یک دوره شناخت را نزد آیت‌الله مطهری و نهج‌البلاغه را نزد آیت‌الله نوری همدانی آموخت. حجت‌الاسلام رئیسی، خارج اصول را نزد آیت‌الله سیدمحمدحسن مرعشی شوشتری و آیت‌الله هاشمی شاهرودی و خارج فقه را نزد آیت‌الله آقا مجتبی تهرانی و آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی تلمذ نمود. وی با اتمام دوره مطلع حوزه، توانست به دوره کارشناسی ارشد رشته حقوق خصوصی راه یافته و پس از دفاع از پایان‌نامه خویش با عنوان ارث بلا وارث در سال ۱۳۸۰، با قبولی در کنکور دکتری از مدرسه عالی شهید مطهری در رشته فقه و حقوق خصوصی ادامه تحصیل دهد. سید ابراهیم رئیسی با تکمیل تحقیقات خود در رشته فقه و حقوق، موفق به اخذ مدرک عالی‌ترین سطح حوزه (سطح چهار) شد و در نهایت رساله دکتری خود را با عنوان تعارض اصل و ظاهر در فقه و حقوق دفاع کرد و با اخذ نمره ممتاز، به درجه دکتری فقه و حقوق نائل آمد. وی در دوران نهضت اسلامی از طلاب مبارز بود و از آن روزها، خاطراتی شنیدنی داشت. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، او در مناصب مختلف خدمت نمود. ورود حجت‌الاسلام سید ابراهیم رئیسی به عرصه مدیریت، از سال ۱۳۵۹ و با حضور در جایگاه دادیاری شهرستان کرج آغاز

شد و پس از مدتی با حکم شهید آیت‌الله قدوسی به سمت دادستان کرج منصوب شد. پس از دو سال در تابستان ۱۳۶۱ و همزمان با دادستانی شهر کرج، مسئولیت دادستانی همدان را نیز عهده‌دار شد. حضور همزمان او در این دو مسئولیت، برای مدتی ادامه یافت تا آنکه به عنوان دادستان استان همدان معرفی شد و از سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۳، این سمت خدمت کرد. سید ابراهیم رئیسی در سال ۱۳۶۴، به عنوان جانشین دادستان انقلاب تهران منصوب شد. امام خمینی طی احکام ویژه و مستقیم، او را برای رسیدگی به مشکلات اجتماعی در برخی استان‌ها از جمله لرستان، کرمانشا و سمنان مأمور کرد. بعد از رحلت امام، آقای رئیسی به حکم رئیس وقت قوه قضائیه، به سمت دادستان تهران منصوب شد و از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۳، به مدت پنج سال این مسئولیت را بر عهده داشت. ایشان از سال ۱۳۷۳، به ریاست سازمان بازرسی کل کشور منصوب شد. او از سال ۱۳۸۳ تا سال ۱۳۹۳، به مدت ۱۰ سال معاون اول قوه قضائیه بود و از سال ۱۳۹۳ تا اسفند ۱۳۹۴ نیز به عنوان دادستان کل کشور خدمت نمود. وی همچنین از سال ۱۳۹۱ با حکم مقام معظم رهبری به عنوان دادستان ویژه روحانیت مشغول خدمت شد. وی



## آنان که در روزگار پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در شهر مشهد سکونت

و سودای مبارزه داشتند، ناگزیر با عالمی روشن بین با افکاری روزآمد، به نام «آقا سید علی خامنه‌ای» آشنایی و الفت می‌یافتند.
زندہ یاد رئیسی نیز در زمره این عناصر بود که بسیاری زود با «امام جماعت مسجد کرامت» نزدیک شد. ایشان علاوه بر اینکه از استاد، تفسیر قرآن، نهج‌البلاغه و دیگر متون مذهبی را فرا می‌گرفتند، بای دربارہ دغدغه‌های خود به گفت‌وگو می‌نشستند و پاسخ پرسش‌های خود را می‌گرفتند

در ۱۷ اسفند ۹۴، با حکم رهبر انقلاب به عنوان تولیت آستان قدس رضوی(ع) منصوب شد و در اسفند ۱۳۹۷ نیز با حکم رهبری در جایگاه ریاست کرج، مسئولیت دادستانی همدان را نیز عهده‌دار شد. حضور همزمان او در این دو مسئولیت، برای مدتی ادامه یافت تا آنکه به عنوان دادستان استان همدان معرفی شد و از سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۳، این سمت خدمت کرد. سید ابراهیم رئیسی در سال ۱۳۶۴، به عنوان جانشین دادستان انقلاب تهران منصوب شد. امام خمینی طی احکام ویژه و مستقیم، او را برای رسیدگی به مشکلات اجتماعی در برخی استان‌ها از جمله لرستان، کرمانشا و سمنان مأمور کرد. بعد از رحلت امام، آقای رئیسی به حکم رئیس وقت قوه قضائیه، به سمت دادستان تهران منصوب شد و از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۳، به مدت پنج سال این مسئولیت را بر عهده داشت. ایشان از سال ۱۳۷۳، به ریاست سازمان بازرسی کل کشور منصوب شد. او از سال ۱۳۸۳ تا سال ۱۳۹۳، به مدت ۱۰ سال معاون اول قوه قضائیه بود و از سال ۱۳۹۳ تا اسفند ۱۳۹۴ نیز به عنوان دادستان کل کشور خدمت نمود. وی همچنین از سال ۱۳۹۱ با حکم مقام معظم رهبری به عنوان دادستان ویژه روحانیت مشغول خدمت شد. وی

■ **کار ما تا ۱۹ دی این بود که صبح به منزل یکی از مراجع می‌رفتیم و شب به منزل یکی دیگر!**

آیت‌الله رئیسی در رنج و محرومیت نشو و نما یافت، از این روز فقر و بی‌عدالتی را به نیکی می‌شناخت. علاوه بر این در بستری مذهبی رشد کرد و ترکیبی از این همه بسیار زود او را به وقایع اجتماعی و سیاسی متوجه کرد. وی در دوران نوجوانی وارد حوزه علمیه شد و به طلبی که مبارزه به رهبری امام خمینی را سرلوحه کار خود قرار داده بودند، پیوست. رئیسی در عداد آن طیف از محصلان حوزه بود که طلبگی را به آرمان تغییر در جامعه و برقراری نظام اسلامی پیوند زده بودند. آنان در انتظار بستری برای ابراز این خواست خود بودند که توهین روزنامه اطلاعات به ساحت رهبر کبیر انقلاب اسلامی آن را مهیا کرد:

«در ایام انقلاب که تظاهرات در قم به طور رسمی از ۱۹ دی آغاز شد، در همه این تظاهرات شرکت می‌کردم. جوان بودم و روحیه جوانی داشتم و در همه این اجتماعات بیشتر مدرسه آیت‌الله می‌شد، حضور داشتم. بعد از جریان اهانت به حضرت امام – که با انتشار مقاله‌ای توسط فردی به نام رشیدی مطلق در روزنامه اطلاعات منتشر شده بود– مبدأ این اجتماعات پیشتر مدرسه آیت‌الله بروجردی بود. در بیشتر این اجتماعات از منزل مرحوم آیت‌الله گلپایگانی گرفته تا منزل همه علما شرکت می‌کردم تا اینکه روز ۱۹ دی فرا رسید و در منزل آیت‌الله حسین نوری تیراندازی شد و عده‌ای به شهادت رسیدند.
هک دوره این اجتماعات توفیق می‌کردا و در یکی از اینگونه جلسات و در ضمن تعجب حاضران، امام جماعت مسجد کرامت را برای ریاست جمهوری در نظام آینده مناسب و شایسته امری که در دهه نخست برقراری جمهوری اسلامی عیناً محقق شد:
«دو سال قبل از پیروزی انقلاب اسلامی با طلبه‌ها که می‌نشستیم و صحبت می‌کردیم، آنها گفتند اگر شاه برود چه کسی می‌خواهد مملکت را اداره کند؟ من هم گفتم همین آقای امام موقت مرا مسخره کردند که این چه حرفی است که می‌زنن؟! اما انسان در چنین شرایطی، توان مدیریت را می‌دید. حضرت امام همیشه به عنوان یک شخصیت الگو و محوری مطرح بودند و در این باره تردیدی وجود نداشت، اما گزینۀ برای ریاست‌جمهوری است. عرض کردم در شهر مشهد عالم زیاد داشتیم، اما شرایطی مدرسه آیت‌الله‌العظمی بروجردی که به «خان» شهرت داشت، به مرکزی برای تردد و تجمع طلاب مبارز تبدیل شده بود. شهید رئیسی و دوستانش در این مدرسه سکونت داشتند، رسالت خود را در انتشار پیام‌های انقلاب از طریق پخش اعلامیه‌ها و نوارهایی با این مضمون می‌انداختند:

### د

آیت‌الله رئیسی در رنج و محرومیت نشسو و نما یافت، از این روی فقر و بی‌عدالتی را به نیکی می‌شناخت. علاوه بر این در بستری مذهبی رشد کرد و ترکیبی از این همه بسیار زود او را به وقایع اجتماعی و سیاسی متوجه کرد. وی در دوران نوجوانی وارد حوزه علمیه شد و به طلبی که مبارزه به رهبری امام خمینی را سرلوحه کار خود قرار داده بودند، پیوست. رئیسی در عداد آن طیف از محصلان حوزه بود که طلبگی را به آرمان تغییر در جامعه و برقراری نظام اسلامی پیوند زده بودند

«در اجتماعات طلبگی در مدرسه آیت‌الله بروجردی، هسته‌ای از بچه‌های انقلابی بود که مثلاً جدیدترین اعلامیه‌ها را در مدرسه نصب می‌کردیم و جدیدترین نوارهای انقلابی مربوط به شخصیت‌ها از جمله مقام معظم رهبری را که در مشهد بودند و به قم می‌آمد، در اختیار دوستان قرار می‌دادیم. هسته‌ای بود که بیشتر جمعی از جوان‌های همسن و سال خود ما و مدرسه آیت‌الله بروجردی تشکیل داده بودند. بعد از بسته شدن مدارس فیضیه و دارالشفاء، مدرسه آیت‌الله بروجردی – که به آن مدرسه خان هم اطلاق می‌شد– مرکزیت داشت و هر وقت هر کس به ویژه روحانیون و طلاب انقلابی از منزل بیرون می‌آمد و به حرم می‌رفت، سری هم به مدرسه خان می‌زد. مدرسه خان به مرکزیت و پایگاه خبرگیری و خبررسانی درباره مسائل انقلاب اسلامی تبدیل شده بود…»

■ **با «آقا» در مسجد کرامت، به گفت‌وگوی طولانی می‌پرداختیم**

آنان که در روزگار پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در شهر مشهد سکونت و سودای مبارزه داشتند، ناگزیر با عالمی روشن بین با افکاری روزآمد به نام «آقا سیدعلی خامنه‌ای» آشنایی و الفت می‌یافتند.
زندہ یاد رئیسی نیز در زمره این عناصر بود که بسیار زود با «امام جماعت مسجد کرامت» قرابت پیدا کرد. ایشان علاوه بر اینکه از استاد، تفسیر قرآن، نهج‌البلاغه و دیگر متون کلاان مذهبی را فرا می‌گرفتند، با وی درباره دغدغه‌های خویش به گفت‌وگو می‌نشستند و پاسخ پرسش‌های خود را از او می‌گرفتند:

«علاوه بر جلساتی که ایشان [آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای] داشتند، به عنوان یک طلبه جوان به همراه دیگر دوستان، خدمت ایشان حاضر می‌شدیم. اولین بر خود ما با حضرت آقا موقعی بود که با یکی از دوستان به منزل آقای محامی در مشهد رفته بودیم. آقای محامی در مشهد نماینده و کبیل وجوهاتی حضرت امام بودند. همه می‌دانستند ایشان وکیل امام است. به منزل ایشان رفته بودیم که آقای خامنه‌ای و آقای هاشمی‌نژاد به آنجا آمده بودند. ظاهراً آن سه بزرگوار با هم جلسه داشتند و من هم با یکی از دوستان طلبه در منزل آقای محامی بودم. دومین دیدار با حضرت آقا ادرآ مسجد کرامت بود که به عنوان طلبه با ایشان گفت‌وگویی داشتیم. دم در مسجد کرامت ایستاده بودیم و با ایشان صحبت می‌کردیم و در مدتی طولانی هم با بزرگوار ی حرف‌های ما را گوش می‌دادند…»

■ **آقای خامنه‌ای، بهترین شخص برای ریاست‌جمهوری است!**

جوانانی که در سالیان منتهی به اوج گیری انقلاب اسلامی در زمره مبارزان قلمداد می‌شدند، طبیعی بود که به آینده آرمانی خویش بیندیشند و شخصیت‌های نقش آفرین در آن را مشخص نمایند. آیت‌الله رئیسی در چنین محافلی، همواره از آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان یکی از امیدهای آینده سخن می‌گفت و حتی سمت مناسب برای ایشان را نیز مشخص می‌کردا و در یکی از اینگونه جلسات و در ضمن تعجب حاضران، امام جماعت مسجد کرامت را برای ریاست جمهوری در نظام آینده مناسب و شایسته امری که در دهه نخست برقراری جمهوری اسلامی عیناً محقق شد:

«دو سال قبل از پیروزی انقلاب اسلامی با طلبه‌ها که می‌نشستیم و صحبت می‌کردیم، آنها گفتند اگر شاه برود چه کسی می‌خواهد مملکت را اداره کند؟ من هم گفتم همین آقای امام موقت مرا مسخره کردند که این چه حرفی است که می‌زنن؟! اما انسان در چنین شرایطی، توان مدیریت را می‌دید. حضرت امام همیشه به عنوان یک شخصیت الگو و محوری مطرح بودند و در این باره تردیدی وجود نداشت، اما گزینۀ برای ریاست‌جمهوری است. عرض کردم در شهر مشهد عالم زیاد داشتیم، اما شرایطی مدرسه آیت‌الله‌العظمی بروجردی که به «خان» شهرت داشت، به مرکزی برای تردد و تجمع طلاب مبارز تبدیل شده بود. شهید رئیسی و دوستانش در این مدرسه سکونت داشتند، رسالت خود را در انتشار پیام‌های انقلاب از طریق پخش اعلامیه‌ها و نوارهایی با این مضمون می‌انداختند:

## روزنامه جوان | شماره ۲۷۲۷

نمی‌گذاشتند که ایشان آزادانه عمل کند، ولی باز هم در این شرایط از این امور غافل نبودند و بدان‌ها توجه می‌کردند…»

■ **ملاقات در تبعیدگاه ایرانشهر**

علاقه رئیسی و همگنانش به معلم اندیشه و بیداری در شهر مشهد موجب شد که پس از تبعید ایشان به ایرانشهر و همزمان با دیدار با سایر تبعیدیان به دیدار آیت‌الله خامنه‌ای نیز بروند. او در آن دوره هنوز ملبس به لباس روحانیت نبود و از این روی، مورد سوء ظن عوامل ساواک قرار نگرفت، اما دو نفر از همراهانش به دلیل تعمم از سوی مأموران امنیتی دستگیر شدند. استاد با حدس قوی بر اینکه این دو شاگرد غیرمعم و ی نیز به زودی دستگیر شوند، آنان را به راهی سوق داد که احتمال گرفتاری ایشان را به حداقل برساند. میهمانان نیز با عمل به توصیه مرشد خویش توانستند از محدوده تعقیب خارج شوند:

«همیشه شیفته سخنرانی‌ها و شخصیت انقلابی ایشان [آیت‌الله خامنه‌ای] بودیم، به دلیل علاقه‌ای که به ایشان داشتیم، قبل از پیروزی انقلاب یک سفر تبلیغی داشتیم که با بعضی از طلاب به رفسنجان رفته بودیم و سفر تبلیغی خود را به سفر سیاسی تبدیل کردیم. در آن زمان شروع کردیم با تبعیدی‌ها دیدار کردن. به سراغ آقایان معادیخواه و خلخالی رفتیم. آقای خلخالی در رفسنجان در تبعید به سر می‌برد. از آنجا هم به عشق دیدار با حضرت آقا به ایرانشهر رفتیم. یک شب آنجا بودیم که دو نفر از طلبه‌ها را در خیابان دستگیر کردند که معمم بودند. ما دو نفر شخصی بودیم و به منزل آقای محمدجواد حجتی کرمانی رفته بودیم. گفتند دیشب پنج، شش بار از ساواک سراغ شما را گرفته‌اند که شما را ببرند که ما به شکلی اینها را دست به سر کردیم. بعد هم فرمودند اینجا یک راه مخفی در ذهنم هست که با یک نفر راه‌بد شما را از آنجا رد می‌کنم، چون شما بلد نیستید! ساعت ۹ صبح که در منزل ایشان صبحانه خوردیم و آماده شدیم، فرمودند شما دو نفر با اینها حرکت کنید و از شهر بیرون بروید، و گرنه اینجا قطعاً شما را می‌گیرند. ایشان عامل فراری دادن ما دو نفر از ایرانشهر شدند، چون دو نفر دیگر ما را دستگیر کرده بودند. آقای بود که ایشان را می‌شناسم، البته ایشان هم میهمان بود و به دیدار ایشان آمده، ولی راه بلد بود، چون یک ماه بود که در منزل حضرت آقا حضور داشت. قبل از انقلاب به زاهدان و منزل مرحوم آقای کفعمی رفتیم که عالم شهر نبود و در منزل ایشان آقای هاشمی‌نژاد و آقای طیبسی که به دیدن آقا در ایرانشهر رفته بودند – منتها داشتند بر می‌گشتند– هم حضور داشتند. یک شب در منزل آقای کفعمی بودیم، وقتی از ایرانشهر بیرون آمدیم، دیگر تحت تعقیب نبودیم و به مقصد باز گشتیم…»

■ **همراه با متحصنین دانشگاه تهران برای ورود امام به ایران**

سید ابراهیم رئیسی در روزهای تعویق بازگشت امام خمینی به ایران در بهمن ۱۳۵۷، همراه با دوستانش در تحصن علما و روحانیون در مسجد دانشگاه تهران شرکت جست. او به گفته خود در آن روزها به تدارکات آن اجتماع مدد می‌رساند و با جوانان دست‌اندر کار همراه بود. وی تا زمان بازگشت رهبر انقلاب به ایران در همان حرکت اعتراضی حضور داشت: «قبل از پیروزی انقلاب یک بار در قم دستگیر شدم و آن هم موقعی بود که با دو نفر از طلبه‌ها داشتمیم به یزد می‌رفتیم که در راه‌آهن دستگیر شدمیم. مأموران تصور می‌کردند همرا ما اعلامیه‌های حضرت امام است. البته همراه بعضی از دوستان بود، ولی به یک شکلی جاسازی کرده بودند که کسی متوجه نشود و آنها هم متوجه نشدند… آن زمان که [آ] هنوز حضرت امام نیامده بودند، جزو جوانانی که در دانشگاه تهران فعالیت می‌کردند، بودم. البته نه به عنوان متحصن، چون علما متحصن بودند. در تمام آن یک هفته تحصن در آنجا حضور داشتم. البته می‌گویم در عداد همان جوانانی که آنجا بودند، فعالیت می‌کردم و دوست داشتم تا آنجا باشم، یعنی تمام آن یک هفته که آقایان تا بازگشت امام متحصن بودند، در جمع همین جوانان پر شور حضور داشتم…»

■ **کلام آخر**

انقلاب اسلامی با تلاش بی‌وقفه جوانانی مجاهد و مخلص به پیروزی رسید که دل به آرمان‌های امام خمینی داده بودند و در راستای توفیقش سر از پای نمی‌شناختند. آنان در فردای نهضت به خدمت نظام برآمده از آن درآمدند تا آرمان‌های ذهنی خویش را عینی سازند. شهید آیت‌الله سیدابراهیم رئیسی در زمره این تلاشگران خستگی‌ناپذیر بود که در طول ۲۵ سال گذشته در مناصب مختلف و مهم ایفای نقش کرد و نهایتاً در مسند بالاترین مقام قضایی و اجرایی قرار گرفت. او به ویژه در سه سال گذشته، تصویری از یک مدیر اجرایی پر کار ترسیم نمود که در راه ایفای وظیفه‌ساز پای‌ای نمی‌شناخت و سرانجام در همین مسیر به مقام شهادت رسید. هنر نظام اسلامی در تربیت کارگزارانی اینچنین خدم و دلسوز است و تا از این امتیاز بهره می‌برد، برقرار و کامیاب خواهد بود. آنان که دل در گرو حاکمیت اسلام دارند، هنوز در میان نخبگان و مسئولان فراوانند و پرچم خدمت را برافراشته و در اهتزاز نگه خواهند داشت.